

سلب مصونیت دولت ایران در محاکم امریکا

عباسعلی کدخدایی*

علی داعی**

چکیده

در حقوق بین‌الملل، کشورها دارای وضعیت حقوقی برابر هستند و براساس این اصل که «برابرها را بر یکدیگر سلطه‌ای نیست»، دولت‌ها از اصل مصونیت بهره‌مند شده و به واسطه آن محاکم داخلی نباید نسبت به سایر دولت‌ها، صلاحیت قضایی و یا اجرایی اعمال کنند، مگر در موارد استثنایی از جمله در اعمال تصدی‌گری، چشم‌پوشی از مصونیت و غیره. با این همه، کنگره امریکا از سال ۱۹۹۶ با اصلاح قانون مصونیت دولت‌های خارجی این کشور، استثنای جدیدی را به اصل مصونیت اعمال حاکمیتی دولت‌ها، تحت عنوان «استثنای تروریسم» افزوده و به محاکم داخلی ایالات متحده صلاحیت قضایی رسیدگی به دعاوی خصوصی علیه دولت‌هایی که با این کشور رابطه دوستانه‌ای ندارند اعطا کرده است. به موجب این قانون، دعاوی متعددی علیه جمهوری اسلامی ایران در محاکم امریکا اقامه گردیده و در نتیجه این دعاوی تاکنون حدود ۱۲ میلیارد دلار علیه ایران حکم صادر شده است. در این مقاله قوانین و مقررات امریکا در این خصوص و مغایرت آن‌ها با حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: اصل مصونیت دولت، محاکم داخلی، صلاحیت قضایی، اقدامات اجرایی، قانون استثنای تروریسم امریکا، مقابله به مثل

*. نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران aliyary1385@gmail.com

** دکترای حقوق بین‌الملل ddaee@yahoo.com

مقدمه

حاکمیت در حقوق بین‌الملل به مفهوم وضعیت حقوقی دولت‌ها در جامعه بین‌الملل بوده، مستلزم آن است که دولت حاکم، تابع صلاحیت ارضی، اجرایی، تقنینی و قضایی دولت دیگری نباشد. اصل برابری دولت‌ها از اصل حاکمیت ناشی می‌شود؛ به این معنا که در حقوق بین‌الملل، دولت‌ها دارای وضعیت حقوقی برابر هستند و براساس این اصل که «برابرها را بر یکدیگر سلطه‌ای نیست»، دولت‌ها از اصل مصونیت بهره‌مندند و به واسطه آن نباید بر سایر دولت‌ها، صلاحیت قضایی و یا اجرایی اعمال کنند. هدف از اعطای مصونیت به دولت در دادرسی‌های مدنی، رعایت حقوق بین‌الملل به منظور ارتقای نزاکت و رابطه مسالمت‌آمیز بین دولت‌ها از طریق محترم شمردن حاکمیت دولت دیگر است.

رفته رفته اصل مصونیت مطلق دولت‌ها، در توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، در رویه دولت‌ها و رویه محاکم داخلی به مصونیت نسبی تبدیل شد؛ چه دولت‌ها وارد عرصه تصدی‌گری شدند و فعالیت‌های تجاری آن‌ها رو به فزونی گذاشت. به موجب اصل مصونیت نسبی، اعمال دولت به اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری تقسیم شده و اصل مصونیت تنها در خصوص اعمال دسته اول قابل استناد است. در مورد این که چه اعمالی تصدی‌گری است، همواره اختلاف نظر وجود داشته و کشورهایی که در این خصوص قانونگذاری کرده‌اند و با مراجع قضایی، هر یک مبنایی را از حیث هدف یا ماهیت عمل برگزیده‌اند و ملاک عمل قرار می‌دهند.

بنابراین مصونیت دولت دیگر مطلق نبوده، با استثناهایی همراه است. این استثناءها که خود ارزش عرفی دارند عبارتند از: اعمالی که از حیث ماهیت یا هدف، حسب مورد دارای جنبه تجاری هستند، چشم پوشی دولت از مصونیت، وقوع شبه‌جرم سرزمینی و با ضمان قهری که شامل ایراد خسارت به جان و یا مال افراد می‌شود و ارتباط تنگاتنگ و جدا ناشدنی با صلاحیت سرزمینی دولت محل وقوع فعل زیانبار دارد.

علی‌رغم ظهور استثناهای مزبور در اصل مصونیت مطلق و نسبی شدن آن، اصل مصونیت دولت از صلاحیت قضایی محاکم داخلی و اقدامات اجرایی در اعمال حاکمیتی، همچنان اصلی با ارزش عرفی است که در کنوانسیون‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و در قوانین داخلی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد و هیچ استثنایی در آن راه ندارد. نقض این قاعده منجر به نقض حقوق بین‌الملل شده؛ در نتیجه مسئولیت بین‌المللی دولت را به دنبال خواهد داشت.

دولت امریکا از سال ۱۹۹۶ با اصلاح قانون مصونیت دولت‌های خارجی،^۱ محاکم داخلی این کشور را صالح دانست که با استناد به حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های جهادی فلسطینی و لبنانی، به دعاوی خواهان‌های امریکایی علیه کشورمان رسیدگی و حکم صادر کنند. تاکنون دعاوی متعددی بر این مبنا علیه ایران و برخی دیگر از کشورهایی که با امریکا رابطه دوستانه ندارند، در محاکم امریکا اقامه شده

1. Foreign Sovereign Immunity Act (1976)

است. خواهان‌های امریکایی با ارائه اسناد و مدارکی که بیش‌تر مبتنی بر اظهارات کارشناسان امنیتی این کشور است، مدعی شده‌اند که ایران از گروه‌هایی مانند حماس و حزب‌الله حمایت کرده و اعمال این گروه‌ها قابل انتساب به ایران و موجب مسئولیت مدنی کشورمان است. در نتیجه این دعاوی، تاکنون حدود ۱۲ میلیارد دلار علیه ایران حکم صادر شده است. هرچند اجرای این احکام در امریکا و کشورهای اروپایی از جمله ایتالیا، بلژیک و فرانسه هنوز چندان موفقیت‌آمیز نبوده، ولی خواهان‌ها هر کدام به طریقی به دنبال اجرای این احکام هستند که مورد اخیر آن درخواست اجرای حکم صادره در قضیه /ستهم در کانادا است.^۲ به دنبال مشکلات و تجارب دستگاه‌های مختلف اجرایی، تقنینی و قضایی امریکا در صدور و اجرای احکام موسوم به «استثنای تروریسم» علیه ایران و سایر کشورهای به اصطلاح حامی تروریسم، کنگره امریکا سرانجام با تصویب «قانون مجوز دفاع ملی امریکا»^۳ (از این به بعد «قانون استثنای مصونیت سال ۲۰۰۸ یا قانون سال ۲۰۰۸») تمامی قوانین قبلی را که به موجب آن‌ها اقامه دعوی علیه کشورهای به اصطلاح حامی تروریسم مجاز بود، نسخ و قانون جدیدی را تصویب کرد. مقررات قانون جدید از لحاظ کلیت آن، تفاوت چندانی با قانون استثنای تروریسم سلب مصونیت سال ۱۹۹۶ (از این به بعد قانون استثنای مصونیت سال ۱۹۹۶ یا قانون ۱۹۹۶)^۴ ندارد، ضمن آن‌که در این قانون نواقص قانون قبلی و مشکلات حقوقی اقامه دعوا و اجرای احکام علیه کشورهای که به ادعای دولت امریکا حامی تروریسم هستند برطرف و منافع خواهان‌های امریکایی به بهترین وجه ممکن تأمین شده است.

هدف از تصویب قانون جدید به این شرح است:

- اعطای حق اقامه دعوی مستقل علیه کشورهای به اصطلاح حامی تروریسم به خواهان‌های امریکایی،
- تجویز صدور حکم به خسارات تنبیهی علیه دولت خواننده در این قضایا،
- پیش‌بینی حق الزحمه کارشناسانی که در این قضایا با دادگاه همکاری می‌کنند،
- تسهیل اجرای احکام صادر شده.

با توجه به این‌که دولت جمهوری اسلامی ایران به دلیل مغایرت قانون امریکا با حقوق بین‌الملل از شرکت در جلسات دادرسی اجتناب کرده و در اقدامی متقابل با تصویب «ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحیه سال ۱۳۷۹ به این دعاوی واکنش نشان داده است، بررسی قوانین و مقررات امریکایی و نحوه دفاع

2. Stethem

3. National Defence Authorization Act for Fiscal Year 2008 (2008 NDAA). Pub. L. No. 110-181, § 1083, 122 Stat. 3, 338-44.

۴. در محاکم ایالات متحده این قانون به قانون استثنای تروریسم موسوم است که در بسیاری از آرای صادر تحت این عنوان از این قانون یاد شده است؛ ولی با توجه به بار منفی این عبارت در این تحقیق از عبارت قانون استثنای مصونیت سال ۱۹۹۶ یا قانون استثنای مصونیت سال ۲۰۰۸ حسب مورد یاد خواهد شد.

۱۵ ❖ سلب مصونیت دولت ایران در محاکم امریکا

در این محاکم می‌تواند در مقابله به مثل کردن کشورمان با این اقدام خلاف حقوق بین‌الملل امریکا مؤثر باشد. بدین منظور در این نوشتار ابتدا نگاهی اجمالی به قانون سال ۲۰۰۸ استثنای مصونیت امریکا و عملکرد محاکم امریکایی خواهیم کرد، سپس دفاع در محاکم امریکایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و با ارزیابی انطباق قوانین دولت‌های امریکا و ایران با حقوق بین‌الملل سخن را خاتمه خواهیم داد.

گفتار اول) صلاحیت قضایی

در نظام‌های حقوقی داخلی، محاکم صلاحیت ذاتی خود را از قانون موجد صلاحیت قضایی کسب می‌کنند. در ایالات متحده امریکا قانون موجد صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه دولت‌های خارجی، قانون استثنای مصونیت دولت‌های (به ادعای امریکا) حامی تروریسم است که در سال ۱۹۹۶ در کنگره امریکا تصویب شد. این قانون به محاکم امریکایی صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه دولت‌های موسوم به حامی تروریسم، کارگزاران و سازمان‌های تابعه آن‌ها را می‌دهد. این دعاوی از سوی قربانیانی مطرح می‌شوند که بر اثر عملیات گروه‌های جهادی فلسطینی و لبنانی مورد حمایت ایران، متحمل ضرر و زیان مادی و جانی شده‌اند.^۵ این قانون چندین بار اصلاح شد تا این که در سال ۲۰۰۸ قانون جدیدی در این خصوص به تصویب رسید و براساس آن، قانون سال ۱۹۹۶ نسخ شد. هم‌اینک صلاحیت شخصی، موضوعی و زمانی محاکم امریکا براساس قانون سال ۲۰۰۸ امریکا تعیین می‌شوند.

بند اول) صلاحیت شخصی

یکی از تفاوت‌های قانون سال ۲۰۰۸ با قانون سال ۱۹۹۶، توسعه دامنه شمول این قانون از لحاظ صلاحیت شخصی محاکم این کشور در رسیدگی به دعاوی «استثنای مصونیت» است. قانون سال ۱۹۹۶ و متعاقب آن قانون سال ۲۰۰۸ استثنای مصونیت، تنها مربوط به دولت‌هایی هستند که در زمان وقوع حادثه و یا بعد از آن، به دلیل آن حادثه، از سوی وزارت خارجه امریکا، «دولت حامی تروریسم» تلقی و در فهرست (ادعایی) دولت‌های حامی تروریسم قرار داده شده باشند. شرط دیگر صلاحیت محاکم امریکا مربوط به خواهان است که طبق آن، خواهان و یا فرد حادثه‌دیده باید در زمان وقوع حادثه، تبعه ایالات متحده امریکا باشد؛ اما در قانون جدید علاوه بر افراد فوق‌الذکر، دامنه شمول این قانون تحت شرایطی به اتباع غیرامریکایی نیز تسری داده شده است. این موارد به شرح ذیل است:

۵. این قانون مشمول تمام دولت‌هایی می‌شود که در فهرست کشورهای (به ادعای این کشور) حامی تروریسم وزارت خارجه امریکا قرار دارند:

P.L. 104-132, Title II, § 221 (April 24, 1976); 110 Stat. 1241; 28 U.S.C. § 1605(a)(7).

الف) افراد فاقد تابعیت امریکایی که مشمول این قانون هستند

در قانون جدید، اعضای نیروهای مسلح، کارکنان دولت امریکا و افرادی که طرف قرارداد دولت امریکا بوده، ولی فاقد تابعیت امریکایی هستند، در صورتی که حین انجام وظیفه مربوط به شغلشان متحمل خسارات مندرج در صلاحیت موضوعی این قانون شوند نیز می‌توانند بر مبنای این قانون، علیه دولت (به ادعای امریکا) حامی تروریسم طرح دعوا کنند.^۶

ب) افرادی که در جریان تسخیر سفارت امریکا در ایران بازداشت شده بودند

علی‌رغم سکوت قانون استثنای مصونیت سال ۱۹۹۶ در اواخر سال ۲۰۰۰ میلادی، ۵۲ نفر از کارکنان سابق سفارت امریکا در ایران که در جریان تسخیر این سفارتخانه بازداشت شده بودند به همراه خانواده‌های‌شان بر مبنای قانون استثنای مصونیت ۱۹۹۶، علیه جمهوری اسلامی ایران اقامه دعوا کرده، خواستار جبران خسارت مادی و معنوی و خسارات تنبیهی علیه ایران شدند.^۷ در آگوست سال ۲۰۰۱ دادگاه بدوی ضمن تأیید صلاحیت خود، وقت دادرسی تعیین کرد، اما در اکتبر سال ۲۰۰۱ چند روز قبل از جلسه رسیدگی دادگاه، دولت امریکا در دادرسی مداخله کرد و با استناد به این که رسیدگی به دعاوی کارکنان سابق سفارت امریکا در محاکم داخلی امریکا مغایر با موافقتنامه الجزایر است^۸ خواهان توقف دادرسی و رد دادخواست از سوی دادگاه شد و دادگاه نیز با پذیرش استدلال دولت امریکا دادخواست مربوط را رد کرد. در طول سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸، کنگره امریکا چندین بار کوشید با قانونگذاری در این خصوص، به این افراد حق اقامه دعوا علیه ایران را اعطا کند که موفقیتی در این خصوص حاصل نشد.

این تلاش‌ها در قانون استثنای مصونیت سال ۲۰۰۸ به ثمر نشست. این قانون در این خصوص دارای ادبیات جدیدتری نسبت به قانون سال ۱۹۹۶ است و به نظر می‌رسد هدف آن تسهیل دادخواهی خواهان‌های پرونده «روئدر علیه جمهوری اسلامی ایران» است؛ چه در قسمت «ب» شق ۲ بند «الف» بخش (الف) ۱۶۰۵ آن در مورد صلاحیت شخصی آمده است: «دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعاوی ذیل را

6. SEC. 1083. Terrorism Exception to Immunity.

7. *Roeder v. Islamic Republic of Iran*, Case Number 1:00CV03110 (ESG) (D.D.C., filed December 29, 2000).

۸. در بند ۱۱ بیانیه عمومی آمده است: «به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ توسط دولت الجزایر، ایالات متحده فوراً تمام ادعاهایی را که در حال حاضر علیه ایران در دیوان دادگستری بین‌المللی مطرح است پس خواهد گرفت و از آن به بعد نیز از اقامه دعوا در مورد هرگونه ادعای حال یا آینده توسط ایالات متحده و یا اتباع این دولت براساس حوادث قبل از تاریخ این بیانیه، در رابطه با: الف) دستگیری ۵۲ نفر از اتباع ایالات متحده در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (نوامبر ۱۹۷۹)، ب) توقیف دستگیرشدگان، ج) خسارات وارد به اموال ایالات متحده و یا اموال اتباع این دولت در داخل محوطه سفارت امریکا در ۳ نوامبر ۱۹۷۹، د) صدمات وارد به اتباع ایالات متحده و یا اموال آن‌ها در نتیجه جنبش‌های مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است، جلوگیری خواهد کرد. ایالات متحده همچنین از اقامه دعوا علیه ایران در دادگاه‌های امریکا توسط اشخاص غیرامریکایی درباره ادعاهای حال و یا آینده ناشی از حوادث ذکر شده در این بند ممانعت به عمل خواهد آورد.»

دارد ب) دعاوی مربوط به پرونده شماره (1:00CV03110) نزد دادگاه کلمبیا» که همان دادخواست کارکنان سابق سفارت امریکا در ایران است.^۹

شایان ذکر است که خواهان‌های پرونده «روئدر علیه جمهوری اسلامی ایران» با توجه به این مقررہ بار دیگر در سال ۲۰۰۸ علیه ایران اقامه دعوا کردند؛^{۱۰} قاضی پرونده با توجه به رویه قبلی و استدلال‌های قاضی «سولیوان» در دعاوی سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ از استماع دعاوی مذکور خودداری ورزید. با این وصف حتی قانون سال ۲۰۰۸ نیز موجبات فسخ موافقتنامه الجزایر را فراهم نیاورده است.^{۱۱}

بند دوم) صلاحیت موضوعی

از لحاظ صلاحیت موضوعی این قانون تفاوت چندانی با قانون سال ۱۹۹۶ ندارد. بر این اساس، رسیدگی به موضوعات ذیل در صلاحیت محاکم امریکا قرار می‌گیرد:

- صدمه جسمی یا مرگ ناشی از شکنجه، قتل غیرقانونی، خرابکاری در هواپیما و گروگان‌گیری؛
- عملی که به‌طور مستقیم از سوی دولت خارجی یا یک عامل غیر دولتی که حمایت مادی یا منابع خود را از دولت خارجی خوانده دریافت می‌کند، ارتکاب یافته باشد؛
- فعل زیانبار با ارائه حمایت مادی یا منابع توسط نماینده، مقام یا کارمند دولت خارجی صورت گرفته باشد و این افراد در چارچوب مقام، کارگزاری یا اشتغال خود اقدام کرده باشند؛
اگر حادثه‌ای که از آن شکایت شده در سرزمین حوزه صلاحیت دولت خوانده رخ داده باشد، خوانده فرصتی معقول جهت حل و فصل موضوع به خواهان نداده باشد؛^{۱۲}
طبق این شرط که البته در قانون قبلی هم وجود داشت، در صورتی که فعل زیانبار در سرزمین دولت خوانده رخ داده باشد و دولت به اصطلاح حامی تروریسم به خواهان‌های امریکایی اجازه دادخواهی در محاکم داخلی خود را بدهد، محاکم امریکایی صلاحیت رسیدگی به دعوا را نخواهند داشت. این مقررہ شبیه شرط توسل مقدماتی به مراجع داخلی در حمایت دیپلماتیک است که در قضایای استثنای مصونیت به ترتیب مذکور وارد شده است.

9. § 1605A(a)(2)(B): “the Act described in paragraph (1) is related to Case Number 1:00CV03110 (EGS) in the United States District Court for the District of Columbia”.

10. *Roeder v. Islamic Republic of Iran*, No. 08-CV-487-RCL (D.D.C.), Dk. #1 (Complaint filed Mar. 21, 2008).

11. *In Re: Islamic Republic of Iran Terrorist Litigation*, US District Court for the District of Columbia, September 30, 2009, p. 96.

12. (iii) in a case in which the act occurred in the foreign state against which the claim has been brought, the claimant has afforded the foreign state a reasonable opportunity to arbitrate the claim in accordance with the accepted international rules of arbitration.

بند سوم) صلاحیت زمانی

بر مبنای قانون جدید، دامنه صلاحیت زمانی از یک سو افزایش و از سوی دیگر کاهش یافته است. در قانون جدید در این باره آمده است: «دعوی بر مبنای این قانون قابل استماع خواهند بود اگر دعوی اصلی و یا دعوی مربوط به دعوی اصلی براساس شق ۷ بند «الف» بخش ۱۶۰۵ قانون استثنای مصونیت ۱۹۹۶ (قبل از تاریخ تصویب این بخش) ... پس از مواعد ذیل طرح نشده باشند:

- ده سال پس از ۲۴ آوریل ۱۹۹۶،

- ده سال پس از تاریخی که منشأ دعوا محقق شده است.^{۱۳}

صلاحیت زمانی، بر مبنای قانون ۱۹۹۶ تنها ناظر بر گذشت ۱۰ سال از زمان ایجاد منشأ دعوا بود که در تاریخ ۲۴ آوریل سال ۲۰۰۶ خاتمه می‌یافت. بنابراین هر دعوی که بر مبنای قانون سال ۱۹۹۶ مشمول مرور زمان می‌شود بر مبنای قانون جدید قابل رسیدگی است.

البته حتی بر مبنای قانون سابق، اصل کشف خسارت پس از مرور زمان، بر این قضایا نیز حاکم بود. مثلاً اگر فردی پس از گذشت ۱۰ سال از وقوع حادثه‌ای متوجه می‌شد که ایران در آن حادثه نقش داشته است و مسئولیت مدنی ناشی از آن حادثه متوجه ایران می‌شد، می‌توانست اقامه دعوا کند. با این حال در قانون جدید تمامی افرادی که به دلیل مشکلات ناشی از قانون مسئولیت مدنی ایالت محل اقامت خود، موفق به دادخواهی نشده‌اند و دعوی آنان مشمول مرور زمان شده است می‌توانند براساس قانون جدید اقامه دعوا کنند.

بند چهارم) اعطای حق مستقل اقامه دعوی

قانون جدید برخلاف قانون سابق به صراحت به اتباع امریکایی حق اقامه دعوا علیه کشورهای به اصطلاح حامی تروریسم و مطالبه غرامت مالی و معنوی از آن‌ها را اعطا می‌کند.^{۱۴} پیش از این، براساس تفسیر دادگاه در قضیه «سی‌سی‌پیو علیه جمهوری اسلامی ایران»^{۱۵} لازم بود اتباع امریکایی بر مبنای قانون مسئولیت

13. § 1605A(b): "Limitations: An action may be brought or maintained under this section if the action is commenced, or a related action was commenced under section 1605(a)(7) (before the date of the enactment of this section) or section 589 of the Foreign Operations, Export Financing, and Related Programs Appropriations Act, 1997 (as contained in section 101(c) of division A of Public Law 104-208) not later than the latter of--

“(1) 10 years after April 24, 1996; or

“(2) 10 years after the date on which the cause of action arose.

14. § 1605A(c): "Private Right of Action: A foreign state that is or was a state sponsor of terrorism as described in subsection (a)(2)(A)(i), and any official, employee, or agent of that foreign state while acting within the scope of his or her office, employment, or agency, shall be liable to...".

15. *Cicippio-Puleo v. Iran*, 353 F.3d 1024 (D.C. Cir. 2004).

❖ ۱۹ سلب مصونیت دولت ایران در محاکم امریکا

مدنی ایالت محل سکونت خود علیه دولت‌های مربوطه اقامه دعوا کنند؛ چرا که قانون سال ۱۹۹۶، قانونی شکلی تلقی می‌گردید و محاکم آمریکا می‌بایست در ماهیت، به سایر قوانین ماهوی آمریکا متوسل می‌شدند؛^{۱۶} ولی براساس قانون سال ۲۰۰۸ همین قانون برای اقامه دعوا کفایت می‌کند. در نتیجه، خواهان‌های آمریکایی که به هر دلیلی نمی‌توانستند با استناد به مقررات مسئولیت مدنی ایالت محل اقامت خود علیه ایران اقامه دعوا کنند، می‌توانند براساس قانون جدید در محاکم آمریکا علیه ایران و یا سایر کشورهای موضوع فهرست وزارت خارجه آمریکا، مدعی شوند.

گفتار دوم) تسهیل اجرای احکام

یکی دیگر از اصلاحات قانون جدید آمریکا، تسهیل اجرای احکام صادر بر مبنای قانون استثنای مصونیت است که به عبارتی دشوارترین مسأله در فرایند دادخواهی علیه دولت‌هایی است که با آمریکا رابطه‌ای خصمانه داشته و بر این مبنا در فهرست دولت‌های به اصطلاح حامی تروریسم قرار دارند. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، بسیاری از خواهان‌ها در به اجرا گذاشتن احکام صادر علیه ایران دچار مشکلاتی بودند که به تدریج با قانونگذاری‌های خاص، این مشکلات حل شده، ولی همچنان کاستی‌هایی وجود داشت. قانون جدید اولاً به خواهان اجازه درخواست صدور اخطار تأمین خواسته علیه اموال دولت به اصطلاح حامی تروریسم را اعطا می‌کند؛ و ثانیاً طیف جدیدی از اموال این دولت‌ها را در معرض اجرای احکام قرار می‌دهد.

بند اول) اخطار تأمین خواسته^{۱۷}

علی‌رغم این‌که قانون جدید صدور قرار تأمین خواسته علیه اموال دولت‌های به اصطلاح حامی تروریسم را تجویز نمی‌کند و حسب قوانین و مقررات آمریکا صدور این‌گونه قرارها علیه دولت‌ها ممنوع است،^{۱۸} طبق این قانون، صدور اخطار تأمین خواسته، مجاز تلقی شده است.^{۱۹} اخطار تأمین خواسته نوعی تأسیس حقوقی در حقوق آمریکا است که به خواهان اجازه می‌دهد از دادگاه درخواست صدور اخطاریه‌ای را درخواست کند

۶۱. از زمان تصویب قانون سال ۱۹۹۶ تا تصویب این قانون، یکی از مسائل غامض در دعاوی مطرح علیه ایران، قانون حاکم بر دعوا بوده است. تا قبل از حکم دادگاه در قضیه «سی‌سی‌پیو»، قضات آمریکایی قواعد عرفی ناشی از رویه دادگاه‌های فدرال آمریکا را بر دعوی تحت شمول «قانون استثنای مصونیت ۱۹۹۶» حاکم می‌دانستند. پس از رأی «سی سی پیو» نیز دادگاه‌های آمریکایی قوانین مسئولیت مدنی محل اقامت خواهان در زمان وقوع عمل زیانبار را ملاک عمل قرار دادند. با این حال در قانون جدید، اوضاع متفاوت است، زیرا این قانون خود حق اقامه دعوی مستقل به خواهان‌ها اعطا می‌کند.

17. *Lis Pendens*

۱۸. براساس قوانین و مقررات آمریکا صدور دستور موقت و یا قرار تأمین خواسته علیه دولت تنها در صورتی مجاز است که دولت خارجی به‌صراحت در این مورد رضایت خود را اعلام کند:

28 U.S.C. § 1610(d).

19. 1605A(g).

مشعر بر این که اموال خواننده در معرض توقیف قرار دارد.

برخلاف دستور موقت و یا تأمین خواسته، صدور این اخطاریه موجب منع نقل و انتقال اموال مربوط نمی‌شود، ولی هر شخص ثالثی از این امر مطلع خواهد شد که سرنوشت مال مورد نظر به حکم نهایی دادگاه وابسته است و امکان دارد توقیف شود؛ ضمن این که ذینفع اخطاریه، نسبت به سایر طلبکاران و یا خواهان‌های دیگر، در استیفای حقش از اموال، اولویت پیدا می‌کند. براساس این قانون، تمامی اموالی که خواننده در آن نفعی دارد در معرض این اخطاریه قرار خواهند گرفت. بدین ترتیب تمامی شرکت‌های امریکایی که با دولت به ادعای امریکا حامی تروریسم، مبادلاتی دارند و ممکن است اموالی را در اختیار داشته باشند که آن دولت در آن نفعی دارد، مخاطب این اخطاریه قرار خواهند گرفت و مثلاً اگر دولت به اصطلاح حامی تروریسم به شرکت امریکایی سفارش خرید کالایی را داده و هزینه آن را پرداخت کرده باشد، ولی به درخواست خواهان امریکایی موضوع این اخطاریه قرار گیرد، شرکت امریکایی نمی‌تواند اجناس خریداری شده را به خریدار تحویل دهد و یا اگر شرکت امریکایی از دولتی که نسبت به آن اخطاریه صادر شده است خرید کند، در صورت صدور حکم به نفع خواهان، مالکیت خود بر اموال خریداری شده را از دست خواهد داد و این اموال به نفع خواهان توقیف خواهند شد.^{۲۰}

بند دوم) اموال در معرض اجرای احکام

در قانون استثنای مصونیت سال ۲۰۰۸، آن دسته از اموال دولتی که در ایالات متحده امریکا به منظور اجرای احکام صادر بر مبنای این قانون فاقد مصونیت هستند، احصا شده‌اند.^{۲۱} براساس این قانون، بند جدیدی به بخش ۱۶۱۰ قوانین امریکا اضافه شده است^{۲۲} که بر مبنای آن، اموال دولتی که علیه آن دولت طبق ضوابط «قانون استثنای مصونیت سال ۲۰۰۸» حکمی صادر شده است و یا اموال کارگزار یا سازمان تابع آن دولت و یا اموالی که دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت مذکورند و یا منافع آن دولت که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی یک شخص حقوقی جداگانه نگهداری می‌شوند، بدون توجه به این که آن دولت خارجی تا چه اندازه بر آن‌ها اعمال کنترل دارد و یا این که آن دولت منفعی از آن‌ها کسب می‌کند یا خیر، مشمول اجرای احکام صادر بر مبنای قانون جدید استثنای مصونیت خواهند شد. با این ملاحظه که این اموال ابتدا باید از آن دسته اموالی باشند که مشمول شق ۷ بند «الف» بخش ۱۶۱۰ باشند،^{۲۳} به این

20. Jennifer K. Elsea, Congressional Research Service "Suits Against Terrorist States By Victims Of Terrorism", (2008): p.54., available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/terror/RL31258.pdf> (15/2/2011)

۲۲. شق ۳ بند «ب» قانون ۱۸۰۳ سال ۲۰۰۸، بخش ۱۶۱۰ فصل ۲۸ قوانین امریکا را که به تعیین اموال دولتی موضوع اجرای احکام می‌پردازد، اصلاح کرده است.

22. 28 USC Sec. 1610 (g)

23. 28 USC Sec. 1610 (a) (7)

مفهوم که باید اموال مربوط به تصدی‌گری دولت باشند تا مشمول اصلاحیه جدید قرار گیرند. بنابراین، اموال بانک‌ها و مؤسسات مالی دولتی که در حساب‌های این مؤسسات بوده و در جهت فعالیت‌های‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرند^{۲۴} و اموال نظامی،^{۲۵} مشمول این استثنا نخواهند شد. تنها اموال کارگزاران و سازمان‌های تابع دولت خارجی و بانک مرکزی که فعالیت تجاری دارند مشمول این قانون می‌شوند.^{۲۶} با این حال، این قانون، مصونیت دولت‌هایی که اموال دولت خوانده را در اختیار دارند، سلب نمی‌کند و بجز در مورد عراق، فاقد هرگونه اعطای اختیار به رئیس‌جمهور در چشم‌پوشی از اجرای این قانون است. در گزارش کمیسیون مربوط در مورد تصویب قانون «استثنای مصونیت سال ۲۰۰۸» در این رابطه آمده است: «هدف این مقرر آن است که اموالی که دولت مربوط در آن هر گونه نفع مالکانه دارد، مشمول اجرای احکام استثنای مصونیت قرار گیرند. این قانون شامل اموال کنسولی و دیپلماتیک نمی‌شود».^{۲۷} طبق این قانون، تمامی اموال شخصیت‌های حقوقی تجاری که دولت خوانده در آن نفعی داشته باشد، بدون توجه به موارد ذیل مشمول اجرای احکام استثنای مصونیت خواهند بود:

۱. میزان کنترل اقتصادی دولت خارجی بر اموال مربوط،
 ۲. تحصیل منافع از سوی دولت مربوط،
 ۳. میزان دخالت و اختیار مقامات رسمی دولتی در اداره آن اموال،
 ۴. این که ایجاد منافع مالکانه به‌عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل از دولت، موجب بهره‌مندی دولت مربوط در محاکم آمریکا شود، بدون این که تعهدی برای دولت ذیربط ایجاد کند.
- موارد فوق‌الذکر عناصری هستند که محاکم آمریکا در موارد مسئولیت دولت و به منظور تعیین این که آیا نهادی دارای شخصیت ثانویه دولت است و یا کارگزار و یا سازمان تابعه آن، به کار می‌گیرند. در صورت اول، نهاد مذکور مشمول مصونیت خواهد بود و در مورد دوم فاقد آن است. مثلاً در قضیه «فلاتو علیه بنیاد علوی» در سال ۲۰۰۰، دادگاه ویرجینیا به منظور تعیین این که بنیاد علوی نهادی دولتی است یا خیر، ضابطه میزان دخالت مقامات رسمی ایران در امور روزانه مؤسسه را مبنای حکم خود قرار داد.^{۲۸} شایان ذکر است شخص حقوقی که کارگزار و یا سازمان تابع دولت خارجی نباشد، اموالش نه دارای مصونیت هستند و نه در معرض اجرای احکام صادر علیه دولت؛ چرا که این شخص ارتباطی با دولت نداشته، نسبت به دولت، شخص ثالث تلقی خواهد شد. استیفای دین مدیون از اموال شخص ثالث نیز امکان‌پذیر

24. 28 USC Sec. 1611 (b)(1)

25. 28 USC Sec. 1611 (b) (2)

26. Jennifer K. Elsea, *op.cit.*, p.54

27. H.Rept. 110-477, Conference Report to Accompany H.R. 1585, National Defence Authorization Act for Fiscal Year 2008, at 1001.

28. *Flatow v. Alavi Foundation*, 225 F.3d 653 (4th Cir. 2000)

نیست، مگر تحت شرایطی از جمله این که خواهان اثبات کند شخص ثالث مورد نظر، سازمان تابع، کارگزار یا دارای شخصیت ثانویه دولت و یا ضامن دین بوده و یا این که انتقال مال به وی به منظور فرار از دین بوده است و غیره.

با این همه، براساس قانون جدید، هر موجودیت یا شخص حقوقی (از جمله کارگزار یا سازمان تابع دولت خوانده)^{۲۹} که دولت خوانده در آن نفعی داشته باشد، مشمول اجرای احکام استثنای مصونیت خواهد بود.^{۳۰} مثلاً اگر شرکتی امریکایی از دولت ایران و یا شرکت‌هایی که دولت ایران در آن‌ها منافع یا سهامی دارد کالا و یا خدماتی را خریداری کند که مشمول اعمال تصدی‌گری دولت شوند، کالا و خدمات مربوط مشمول اجرای احکام استثنای مصونیت خواهند شد؛ یعنی علی‌رغم پرداخت بهای کالا و خدمات از سوی شرکت امریکایی به شرکت مبدأ، براساس قانون جدید، شرکت امریکایی مالک اموال مذکور نخواهد شد. عکس این قضیه نیز صادق است. اثر این قانون آن است که مبادلات شرکت‌های امریکایی با شرکت‌های دولتی ایرانی و یا شرکت‌های خصوصی ایرانی که منافع آن‌ها به نحوی به دولت ایران منتقل می‌شود، محدود خواهند شد. البته خواهان باید این رابطه را در دادگاه اثبات کند.

به نظر می‌رسد هدف از این قانون، تسهیل اجرای احکام علیه ایران در مواردی مانند قضیه «بنیاد علوی» است که در سال ۲۰۰۰ دادگاه ویرجینیا در قضیه «فلاتو» با این استدلال که این بنیاد کارگزار و یا سازمان تابع دولت ایران تلقی نمی‌شود، اجرای حکم علیه این مؤسسه را نپذیرفت. با این حال باید دید در دعوی جدید علیه بنیاد علوی، محاکم امریکا چه رویکردی اتخاذ خواهند کرد؛ ضمن آن که دعوایی علیه این بنیاد در دادگاه نیویورک اقامه شده است.^{۳۱}

دسته دیگری از اموال که مشمول این قانون می‌شوند در شق ۲ بند «ز» این قانون احصا شده است. طبق این مقرره، اعمال تحریم‌های دولت امریکا و مقررات خاص دیگر بر آن دسته اموالی که در شق ۱ بند ز بخش ۱۶۱۰ آمده‌اند، مانع اجرای احکام صادر بر مبنای قانون استثنای مصونیت نخواهند شد. شایان ذکر است اموالی که طبق قانون خاص مسدود یا ضبط می‌شوند، اموال دولت امریکا تلقی و مشمول مصونیت دولت امریکا می‌شوند. این مقرره مصونیت دولت امریکا در قبال اموال مشمول شق ۱ بند «ز» بخش ۱۶۱۰

۹۲. در قوانین و مقررات امریکا کارگزار یا سازمان تابع دولت به شخصیت‌های حقوقی تجاری اطلاق می‌شود که در حوزه فعالیت‌های تصدی‌گری دولت تشکیل شده‌اند. به‌عنوان مثال شرکت‌هایی که اکثر سهام آن‌ها متعلق به دولت باشد و تمامی دفاتر فرعی چنین شرکتی، کارگزار یا سازمان تابع دولت تلقی می‌شوند.

30. Jennifer K. Elsea, *op.cit.*, p. 56.

31. Jenny Rubin, Deborah Rubin, Daniel Miller, Abraham Mendelson, Stuart E. Hersh, Renay Fryn, Noam Rozenman, Elana Rozenman and Tzvi Rozenman v. Alavi Foundation, ASSA Corporation and ASSA Company Limited, Case no. 1:2009cv04614 (New York Southern District Court, May 15, 2009).

را غیرقابل استناد می‌سازد. البته در این بند به جای استفاده از عبارت اموال «مسدود شده»^{۳۳} از عبارت «تحت مقررات خاص»^{۳۳} استفاده شده است، ولی معلوم نیست که آیا این دو عبارت به صورت مترادف به کار برده شده‌اند و یا معانی متفاوتی دارند. حداقل در یکی از قضایا علیه ایران، دادگاه این دو عبارت را متفاوت تلقی و اعلام کرده است که اموال مسدود شده با اموال تحت مقررات خاص متفاوت هستند.^{۳۴} با این حال، این قانون شامل اموال مسدود شده ایران در وزارت دارایی آمریکا، اموالی که بابت پرداخت احکام داورى دیوان دعوای ایران و آمریکا و اموال نظامی ایران در صندوق فروش‌های خارجی دولت آمریکا نمی‌شود. این اموال در هر صورت اموال دولت آمریکا تلقی شده، دارای مصونیت هستند.^{۳۵} به‌عنوان مثال، اگر دولت آمریکا به هر دلیلی اموال مشمول شق ۱ این قانون را ضبط کند و یا تحت مقررات خاصی قرار دهد، مثلاً ایران اموالی را از شرکت امریکایی بخرد که مشمول تحریم‌های سازمان ملل است، و دولت آمریکا با استناد به قطعنامه‌های شورای امنیت این اموال را ضبط کند، خواهان‌های ایران می‌توانند از محل این اموال خواستار اجرای احکام خود شوند که در این مورد خاص، مصونیت دولت آمریکا مانع اجرای حکم نخواهد شد.

گفتار سوم) دفاع در محاکم آمریکا

از زمان تصویب قانون استثنای مصونیت تا به امروز، ایران با استناد به مصونیت دولت‌ها و مغایرت این اقدام محاکم آمریکا با حقوق بین‌الملل، از حضور در محاکم آمریکا و ایراد یا دفاع در دعوای مطرح علیه کشورمان اجتناب کرده است. لذا آرای که تاکنون علیه کشورمان صادر شده، آرای غیابی هستند. در این گفتار در دو بند مسأله ایرادها و دفاع ماهوی در دعوای مبتنی بر قانون استثنای مصونیت در محاکم آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بند اول) ایرادها

الف) ایراد به صلاحیت ذاتی دادگاه

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، هدف از تصویب قانون موسوم به استثنای تروریسم در آمریکا، سلب مصونیت از دولت‌های (به ادعای این کشور) حامی تروریسم است. بنابراین یکی از ایرادهای خواننده در این قضایا، ایراد به صلاحیت ذاتی دادگاه است. دادگاه علی‌الاصول به منظور احراز صلاحیت ذاتی خود به قانون ماهوی اعطاکننده صلاحیت رجوع می‌کند.

32. blocked

33. regulated

34. *Weinstein v. Islamic Republic of Iran*, 299 F. Supp. 2d 63, 76 (E.D.N.Y. 2004).

35. Jennifer K. Elsea, *op.cit.*, p. 58.

در این قضیه نیز دادگاه به منظور بررسی ایراد دولت خوانده به قانون ماهوی اعطاکننده صلاحیت، یعنی «قانون استثنای مصونیت» رجوع خواهد کرد (قوانین استثنای مصونیت سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۸).

براساس مفاد این قانون، صلاحیت ذاتی محاکم امریکا جهت رسیدگی به دعاوی مبتنی بر استثنای مصونیت تأمین شده است. بنابراین طبیعی است که چنین ایرادی وارد نخواهد بود. در این جا ایراد به صلاحیت ذاتی دادگاه نیست؛ زیرا قانونی وجود دارد که به دادگاه چنین صلاحیتی را اعطا می‌کند، بلکه در واقع ایراد به قانون است.

ب) ایراد به صلاحیت موضوعی دادگاه

از لحاظ موضوعی، در دعاوی استثنای مصونیت مواردی در صلاحیت دادگاه‌های امریکا است که صرفاً یکی از این موارد باشد: قتل یا جراحت ناشی از شکنجه، قتل فرا قانونی، خرابکاری در هواپیما، گروگان‌گیری و حمایت مادی از این‌گونه اعمال، مشروط بر آن که این اعمال از سوی مقامات، کارمندان، یا کارگزاران دولت که در حدود مأموریت یا وظایف کارگزاری یا کارمندی خویش عمل کرده‌اند، ارتکاب یافته باشند.

پس از پذیرش صلاحیت ذاتی دادگاه، در صورتی که ایراد و دفاع در چارچوب قانون استثنای مصونیت مطرح شده باشد، خواننده به منظور ایراد در صلاحیت موضوعی باید ثابت کند که اعمال موضوع این قانون واقع نشده و یا اگر واقع شده، مرتکب این اقدامات را در چارچوب وظایف رسمی خود انجام نداده است و این اقدامات در زمره اعمال شخصی مرتکب قرار می‌گیرند.

تاکنون در دعاوی اقامه شده علیه ایران، با توجه به انتساب اعمال گروه‌های جهادی فلسطینی و لبنانی به ایران در قالب «حمایت مالی» که موارد آن در قانون جزای امریکا تعیین شده است، به هیچ‌یک از دعاوی مذکور چنین ایرادی وارد نیست.

ج) ایراد به صلاحیت شخصی

در صلاحیت شخصی دو عامل مورد نیاز دادگاه است، اول این که دولت مذکور در فهرست دولت‌های به اصطلاح حامی تروریسم وزارت خارجه امریکا قرار داشته باشد، دوم این که حادثه دیده یا خواهان در زمان وقوع حادثه، دارای تابعیت امریکایی، عضو نیروهای مسلح امریکا و یا کارمند دولت امریکا باشد و یا این که با دولت امریکا قراردادی داشته باشد و به دلیل اجرای قرارداد، متحمل یکی از آسیب‌های مشمول صلاحیت موضوعی این قانون شده باشد.

چنان که مشخص است در صورت فقدان هریک از شرایط فوق می‌توان به صلاحیت شخصی دادگاه ایراد وارد کرد. این موارد به شرح ذیل است:

۱. مغایرت تعیین فهرست دولتهای به اصطلاح حامی تروریسم از سوی وزارت خارجه امریکا یکی از ایرادهای کشورهای کشورهایی که در قضایای استثنای مصونیت در محاکم امریکا در مقام خواننده قرار می‌گیرند، استناد به مغایرت تعیین فهرست دولتهای به اصطلاح حامی تروریسم از سوی وزارت خارجه با قانون اساسی امریکا است. از آنجا که وزارت خارجه جزئی از دستگاه اجرایی امریکا است، در واقع دستگاه اجرایی صلاحیت دستگاه قضایی را تعیین می‌کند و این منجر به تداخل قوا می‌شود که مغایر قانون اساسی امریکا است.

این استدلال را سودان در قضیه «اونز علیه سودان» در سال ۲۰۰۸ مطرح کرد.^{۳۶} با این حال دادگاه مربوطه این استدلال را رد کرد و اشعار داشت: «کنگره امریکا با تصویب قانون استثنای تروریسم به قوه مجریه اختیار اعطای صلاحیت به قوه قضاییه را اعطا نکرده، بلکه اعلام کرده است که صلاحیت دادگاه باید به طور جزئی بر تعیین مصداق از سوی قوه مجریه مبتنی باشد که این اختیار قبلاً از طریق قانون به قوه مجریه تفویض شده است. مسأله حقیقت‌یابی از سوی قوه مجریه در قانون استثنای تروریسم بی‌سابقه نیست، بلکه کل قانون استثنای مصونیت بر اختیار ریاست جمهوری امریکا در شناسایی یک موجودیت به عنوان دولت مبتنی شده؛ زیرا قانون استثنای مصونیت فقط نسبت به دولتهای شناسایی شده از سوی امریکا قابل اجرا است».^{۳۷} بنا بر این استدلال، این ایراد نیز در محاکم امریکا قابل پذیرش نخواهد بود.

۲. ایراد به صلاحیت شخصی منفعل

مبنای صلاحیت شخصی در قانون استثنای مصونیت امریکا، صلاحیت شخصی منفعل، با توجه به تابعیت حادثه دیده است؛ مسأله‌ای که حتی در قوانین داخلی امریکا نیز غیرعادی است. اعمال صلاحیت قضایی بر مبنای تابعیت حادثه دیده در دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه لوتوس رد گردیده^{۳۸} و در ماده ۳ کنوانسیون بروکسل^{۳۹} منع شده است. در نظام قضایی امریکا این اصل صلاحیتی به دلیل مغایرت با حقوق بین‌الملل و حقوق اساسی بشر جایگاهی نداشت^{۴۰} تا این که در سال‌های دهه ۸۰ و ۹۰ و با افزایش اقدامات

36. *Owens v. Republic of Sudan*, District Court of Columbia, 531 F.3d 884 (2008).

37. *Ibid.*

۳۸. دیوان در این رأی در پاسخ به استدلال دولت فرانسه که اعمال صلاحیت کیفری براساس تابعیت مجنی‌علیه مغایر حقوق بین‌الملل است به طور تلویحی این استدلال را می‌پذیرد، ولی آن را در این قضیه وارد نمی‌داند.

Permanent Court of International Justice, *Lotus Case*, (France v. Turkey) PCIJ, Ser. A, No. 10 (1927), pp. 22-23.

39. Brussels Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial matters (1968), Article 3. (Provisions Relating to Belgium, France and Luxemburg). Available at: [http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:41998A0126:EN:NOT \(15/2/2011\)](http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:41998A0126:EN:NOT (15/2/2011))

40. *United States of America. v. Francesco Columba-colella*, United States Court of Appeals, Fifth Circuit. - 604 F.2d 356, (1979). Available at: <http://cases.justia.com/us-court-of-appeals/F2/604/356/7937/>

خرابکارانه علیه اهداف امریکایی در جهان، وارد نظام قضایی امریکا شد. البته هنوز هم این اصل تا آنجا کارایی دارد که با اصول دادرسی عادلانه مغایرت نداشته باشد.^{۴۱} با این همه، تشخیص این که آیا در قضیه‌ای خاص، اعمال صلاحیت بر مبنای تابعیت مجنی علیه با اصول دادرسی عادلانه مغایرت دارد یا خیر، در اختیار دادگاه است و در مسائل مربوط به اقدامات تروریستی این اصل علی‌رغم مغایرت با حقوق بین‌الملل در محاکم امریکا اعمال می‌شود. بنابراین، با توجه به رویه‌ای که در محاکم امریکا دنبال شده،^{۴۲} بعید است این ایراد، یعنی ایراد مغایرت اعمال صلاحیت شخصی منفعل با اصول دادرسی عادلانه یا حقوق بین‌الملل، از سوی دادگاه‌های امریکا پذیرفته شود.

بند دوم) دفاع در ماهیت دعوا

در دعاوی حقوقی برخلاف دعاوی کیفری، دادگاه از تحصیل دلیل له یا علیه خواننده ممنوع است. بنابراین، در صورتی که خواننده در محکمه حضور نیابد و دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوا را احراز کند، کار خواهان در تحصیل حکم به نفع خود آسان خواهد بود. هرگونه دلیل ارائه شده از سوی خواهان علیه خواننده که در چارچوب ادله اثبات دعوا قابل پذیرش باشد، از سوی دادگاه پذیرفته می‌شود. ولی در صورت حضور خواننده در دادگاه، امکان دفاع در برابر ادله ابراز شده از سوی خواهان، که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره خواهیم کرد، امکان‌پذیر خواهد بود.

الف) عناصر اثبات مسئولیت

در نظام قضایی امریکا مسئولیت ناشی از شبه جرم دارای چهار عنصر اصلی است که خواهان باید آن‌ها را در دادگاه اثبات کند. وجود عنصر خطا، عنصر معنوی، رابطه علیت و قابل پیش‌بینی بودن. از آنجا که احکام صادره علیه ایران، مبتنی بر قسمت آخر قانون یعنی کمک و تأمین مالی گروه‌های جهادی است، خواهان باید این عناصر را در دادگاه در خصوص اثبات کمک و تأمین مالی گروه‌های جهادی اثبات کند. بنابراین دفاع و یا در واقع ایجاد خلل در این عناصر، مسیر دفاع خواننده را مشخص می‌کند.

۱. قابلیت انتساب

چنان که در قانون استثنای مصونیت سال ۲۰۰۸ امریکا به صراحت آمده است، دولتی در قضایای تروریستی

41. *United States v. Yousef*, 327 F.3d 56 (2d Cir. 2003), available at: <http://www.slashlegal.com/showthread.php?t=147060> (15/2/2011)

42. *Rein v. Socialist People's Libyan Arab Jamahiriya*, 162 F.3d 748, 764 (2d Cir. 1998). And *Price v. Socialist People's Libyan Arab Jamahiriya*, 110 F.Supp.2d 10 (D.D.C. Aug. 24, 2000).

مسئولیت مدنی خواهد داشت که فعل ارتكابی از سوی کارگزاران، مقامات رسمی و یا نهادهای آن دولت انجام شده باشد.

یکی از دفاع‌های متصور در این قضا یا آن است که دولت خوانده اثبات کند که فعل و یا ترک فعل ارتكابی منتسب به فعل کارگزاران، مقامات رسمی و یا نهادهای دولتی آن کشور نبوده است.

این دفاع در قضایایی که مستند به فعل گروه‌های جهادی فلسطینی است، مسموع نخواهد بود؛ زیرا اظهارات و حمایت رسمی ایران از گروه‌های جهادی فلسطینی و لبنانی در واقع اقرار به این حمایت است، چرا که در چارچوب قانون استثنای تروریسم، صرف حمایت به گونه‌ای که در قانون جزای امریکا تعریف شده جهت انتساب فعل گروه‌های جهادی به خوانده کافی است.

ولی در مورد سایر گروه‌هایی که مورد حمایت ایران نبوده‌اند، مانند گروه القاعده، این دفاع جای طرح دارد؛ زیرا نه تنها سیاست رسمی ایران حمایت از این گروه نیست، بلکه بالعکس ایران با این گروه در حال مقابله بوده و لذا انتساب افعال آنان در قضیه ۱۱ سپتامبر به ایران، فاقد شرایط مقرر در این قانون است. از آن‌جا که اثبات این ارتباط بر عهده خواهان است و قاضی در امور مدنی از تحصیل دلیل له یا علیه خوانده معذور است، اگر خوانده در برابر ادعای خواهان و ادله او اعتراضی به عمل نیاورد، قاضی دلایل خواهان را می‌پذیرد. بنابراین حداقل در قضایایی که مسئولیت انتسابی از ناحیه اقدامات القاعده است، ایران در به چالش کشیدن ادله خواهان در اثبات رابطه ایران و القاعده، دفاع قابل استماعی خواهد داشت.

۲. حمایت مادی

با توجه به این‌که در قضایای به اصطلاح تروریستی، مسئولیت دولت ناشی از حمایت از این گروه‌ها است، ایجاد خلل در اثبات حمایت نیز می‌تواند یکی از راهکارهای دفاع در ماهیت در این قضا یا باشد. حمایت مادی که در قانون جزای امریکا تعریف شده و عیناً در قانون جدید درج شده به شرح آتی عبارت است از:

«ارائه هرگونه مال اعم از اموال عینی و غیر آن و یا خدمات از قبیل ارز یا پول و یا اوراق بهادار، خدمات مالی، اسکان، آموزش، ارائه مشاوره تخصصی، مساعدت، خانه امن، اوراق و یا اسناد هویتی مجعول، تسهیلات، وسایل و تجهیزات ارتباطی، سلاح، مواد کشنده و یا منفجره، پرسنل (یک نفر یا بیش‌تر که ممکن است خود فرد باشد)، وسایل حمل و نقل بجز دارو و یا امور معنوی...»^{۴۳}

علاوه بر آن، عبارت آموزش و مشاوره تخصصی و مساعدت نیز به‌طور خاص در قانون جدید تعریف شده است. بر این اساس، عبارت آموزش یعنی یاد دادن و آموزش طراحی شده به منظور بهره‌مندی از

43. 18 U.S.C § 2339A(b)(1)

مهارت خاص نسبت به اطلاعات عمومی و عبارت مشاوره تخصصی و یا مساعدت، یعنی مشاوره و یا کمک علمی، فنی و یا دیگر اطلاعات تخصصی.^{۴۴}

با توجه به این که عبارات به کار گرفته شده در تعریف حمایت مادی بسیار وسیع است و ظرفیت دربرگرفتن طیف زیادی از حمایت‌ها را دارد، بنابراین در مورد گروه‌های جهادی که سیاست رسمی ایران حمایت از آنان است، دفاع دشوار است، ولی در مورد گروه‌هایی که ایران با آنان مرادده‌ای ندارد می‌توان از این جنبه نیز دفاع کرد.

۳. رابطه علیت

در نظام قضایی آمریکا نیز مانند بسیاری از نظام‌های قضایی دیگر، علت بی‌واسطه و نزدیک در انتساب فعل، مبنای کار محاکم آمریکا است. بنابراین در صورتی که این اصل مبنای انتساب اعمال گروه‌های جهادی به ایران قرار گیرد، باید در دادگاه اثبات شود که کمک‌های مالی ایران در عملیات مورد نظر به کار گرفته شده و موجب ورود صدمات مالی و جانی به اتباع امریکایی شده است. با این حال، در قضایای به اصطلاح تروریستی، محاکم امریکایی این اصل را کنار گذاشته‌اند و کافی است ارائه مساعدت به گروه جهادی به اثبات برسد؛ صرف نظر از این که این کمک‌ها در وقوع حادثه مؤثر باشند یا خیر. اثبات این مساعدت، موجب انتساب اعمال گروه‌های جهادی به ایران خواهد شد.

اعتراض به این رویکرد محاکم امریکایی شاید در مقام دفاع قابل استماع باشد، ولی از آن جا که قانون این نوع رابطه علیت را پذیرفته است، به نظر نمی‌رسد در نتیجه‌گیری دادگاه تأثیری داشته باشد.

ب) ادله اثبات دعوا

از جمله دلایلی که خواهان‌ها به طرفیت ایران در اثبات دعوی خود از آن استفاده می‌کنند، نظر کارشناسان امریکایی در حوزه‌های امنیت بین‌الملل، تروریسم و کارشناسان وزارت خارجه و یا سازمان اطلاعات آمریکا و همچنین اظهارات رسمی مقامات ایران در حمایت از گروه‌های جهادی فلسطینی و لبنانی است. در نظام قضایی کامن‌لا، نظر کارشناس و یا متخصص خبره جایگاه مهمی در ادله اثبات دعوا دارد. بنابراین حتی در قضایایی که در آن اعمال القاعده به ایران منتسب می‌شوند احتمالاً خواهان‌های امریکایی از این کارشناسان استفاده می‌کنند. بنابراین در صورت جرح این کارشناسی، دلیل اصلی انتساب اعمال گروه‌های مذکور از عداد ادله خارج خواهد شد.

البته این دفاع درباره گروه‌هایی قابل طرح است که ایران از آن‌ها حمایت نمی‌کند؛ مانند گروه‌های

44. 28 U.S.C § 1605A

مسئول در قضیه ۱۱ سپتامبر که در این صورت می‌توان با جرح کارشناسان امریکایی، این ادله را بلا اثر ساخت. بنابراین، استفاده از این دفاع نیز در قضیه ۱۱ سپتامبر توصیه می‌شود.

گفتار چهارم) مغایرت قانون استثنای مصونیت امریکا با حقوق بین‌الملل بند اول) مغایرت با اصل مصونیت دولتها

اصل مصونیت دولتها از صلاحیت محاکم خارجی و اقدامات اجرایی، از اصول اساسی حقوق بین‌الملل عمومی است. هرچند در توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، اصل مصونیت مطلق جای خود را به اصل مصونیت محدود داده، مسلم است که اعمال حاکمیتی کشورها طبق عرف بین‌المللی، رویه قضایی و اسناد بین‌المللی از مصونیت مطلق برخوردار است.

بنابراین سلب مصونیت از دولت خارجی، در مواردی که مسأله به اعمال حاکمیتی دولت خارجی مربوط می‌شود، نقض حقوق بین‌الملل و مغایر اصل برابری و استقلال دولتها بوده، مداخله در امور داخلی سایر کشورها و نقض آشکار ماده ۲ منشور ملل متحد است. این اصل به قدری حائز اهمیت است که شاید بتوان با توجه به این گفته که «مصونیت دولت از اقدامات اجرایی، آخرین سنگر حاکمیت است»،^{۴۵} مصونیت قضایی و اجرایی دولتهای خارجی در قبال اعمال حاکمیتی را سنگ بنای احترام به حاکمیت و اصل رابطه مسالمت‌آمیز بین دولتها در جامعه بین‌المللی تلقی کرد.

با وجود این، قوانین موسوم به استثنای تروریسم امریکا در مواردی از دولت خارجی سلب مصونیت کرده‌اند که به تصریح همین قوانین و مقررات، مسأله به اعمال حاکمیتی دولت خارجی مربوط می‌شود؛ چنان که در بند ۱ بخش ۱۶۰۵ (الف) قوانین امریکا آمده است: «دولت خارجی فاقد مصونیت است ... مشروط به این که چنین اعمالی از سوی مقامات، کارمندان، یا کارگزاران دولت در حدود مأموریت یا وظایف کارگزاری یا کارمندی خویش عمل کرده باشند، ارتکاب یافته باشند».^{۴۶} شاید در نگاه اول این قانون با سلب مصونیت دولت خارجی در موارد ارتکاب شبه عمد و یا اعمال تصدی‌گری غیرتجاری دولت قابل قیاس باشد.

منظور از اعمال تصدی‌گری غیرتجاری دولت، خسارات ناشی از شبه جرم سرزمینی و یا ضمان قهری است که شامل ایراد خسارت به جان و یا مال افراد می‌شود و ارتباط تنگاتنگ و جدا ناشدنی با صلاحیت سرزمینی دولت محل وقوع فعل زیانبار دارد. براساس این استثنا، دولت خارجی در مورد اعمالی که براساس قوانین دولت محل وقوع فعل، شبه جرم تلقی می‌شوند و موجب ورود خسارت جانی و یا مالی به فرد شده‌اند،

45. UN. Doc. A/46/10, Report of the International Law Commission on the work of its 43rd Session, 29 April-19 July 1991, p. 135.

46. 28 U.S.C. § 1605A (1)

از مصونیت برخوردار نیست. نمونه بارز این استثنا ماده ۱۲ کنوانسیون سال ۲۰۰۴ در خصوص مصونیت قضایی دولت‌ها است.^{۴۷}

در این ماده سه شرط برای استثنای اعمال تصدی‌گری غیرتجاری دولت ذکر شده است: اول، خسارت باید در مورد اموال عینی (محسوس) باشد؛ دوم، لزوم وقوع فعل زیانبار در سرزمین دولت اعمال‌کننده صلاحیت؛ و سوم لزوم حضور مرتکب فعل یا ترک فعل در زمان ارتکاب عمل در سرزمین محل وقوع آن.^{۴۸} نمونه بارز شبه جرم‌هایی که مشمول قوانین فوق‌الذکر می‌شوند، خسارات ناشی از حوادث رانندگی است که سفیر یک کشور خارجی، هنگام رانندگی مرتکب آن می‌شود؛ مسأله‌ای که در جلسه تصویب قانون مصونیت دولت امریکا به آن تصریح شده است.^{۴۹} هرچند در رویه قضایی، این قانون به شبه جرم‌های به اصطلاح تروریستی واقع در امریکا نیز تسری داده شده،^{۵۰} ولی در هر حال دو شرط اصلی یعنی وقوع فعل زیانبار در سرزمین مقر دادگاه و حضور فاعل در محل وقوع فعل، جهت سلب مصونیت از دولت ضروری است.^{۵۱}

۷۴. ماده ۱۲: «جز در مواردی که دولت‌های ذینفع به نحو دیگری توافق کنند، دولت نمی‌تواند در دعاوی مربوط به دریافت غرامت مالی برای مرگ یا جراحت وارد به فرد یا وارد ساختن خسارت یا از بین بردن اموال محسوس که از فعل یا ترک فعل ادعایی قابل انتساب به دولت ناشی شده‌اند، نزد محاکم دولت‌های دیگر به مصونیت از صلاحیت استناد کند؛ در صورتی که از یک سو فعل یا ترک فعل زیانبار به‌طور کلی یا جزئی در بخشی از سرزمین دولت دیگر ارتکاب یافته و از سوی دیگر مرتکب فعل یا ترک فعل در زمان ارتکاب، در آن سرزمین حاضر باشد».

۸۴. این مقرر در شق «الف» بند ۵ بخش ۱۶۰۵ قوانین امریکا نیز به شرح ذیل آمده است: «دولت خارجی از صلاحیت محاکم امریکا مصون نخواهد بود:

.....

۵- الف) در قضایی که در آن‌ها دعوای طرح شده جهت جبران خسارت پولی ناشی از ایراد جراحات شخصی یا سلب حیات و یا ایراد خسارت به اموالی باشد که در خاک ایالات متحده و به واسطه یک فعل یا ترک فعل منجر به شبه جرم دولت خارجی یا هر کارگزار یا کارمند آن که در چارچوب وظایف اداری خویش عمل کرده است، صورت گرفته باشند، استثنای مندرج در این بند در دعاوی ذیل اعمال نمی‌شود:

۱. در هر دعوی ناشی از اعمال یا اجرا و یا قصور از اعمال یا قصور از اجرا که مبتنی بر انجام وظیفه صلاحیددی باشد، صرف‌نظر از آن که از آن وظیفه سوء استفاده شده باشد؛ یا
۲. در هر دعوی ناشی از تعقیب ایذایی، سوء استفاده از فرایند قضایی، هتک حرمت، افتراء، تدلیس، تقلب و یا دخالت در حقوق قراردادی دیگران».

49. Statement of Monroe Leigh, Legal Advisor of State Department, Jurisdiction of US Courts in Suits against Foreign States: Hearings on H.R. 11315 before the Subcomm. On Admin. Law and Government Relations of the House Comm. On the Judiciary, 94th cong, 2d Sess 24, 27.

50. *Letelier v. Chile* 488 F Supp 665 (US, DC for the District of Columbia, 1980). Available at: <http://homepage.ntlworld.com/jksonc/docs/letelier-488FSupp665.html> (15/2/2011)

۱۵. ر.ک: عبدالهی، محسن، و میر شهبیز شافع، *مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل*، تهران: اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، چاپ دوم ۱۳۸۶ ص ۹۷-۹۸.

۳۱ ❖ سلب مصونیت دولت ایران در محاکم امریکا

با این همه، قیاس این استثنا با قوانین سلب مصونیت امریکا در مسائل به اصطلاح تروریستی نیز مردود است؛ زیرا شبهه جرم‌های مشمول قانون استثنای سلب مصونیت امریکا، فاقد شرط مهم رابطه سرزمینی، یعنی وقوع عمل زیانبار در سرزمین حوزه صلاحیت مقرر دادگاه هستند. فصل مشترک تمامی شبهه جرم‌های مورد پیش‌بینی قوانین، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به مصونیت دولت‌ها، عنصر سرزمینی و به عبارت بهتر لزوم ارتکاب آن‌ها در سرزمین دولت مقرر دادگاه است. در واقع، طراحان قوانین مذکور، تصویب‌کنندگان کنوانسیون اروپایی و سرانجام تدوین‌کنندگان طرح مصونیت کمیسیون حقوق بین‌الملل به تدریج در پرتو بیش از سه قرن رویه قضایی به فراست دریافته بودند که جهت جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از استثنای شبهه جرم‌های ارتكابی دولت خارجی و ایجاد مزاحمت‌های بی‌دلیل برای دولت خارجی، ارتباط سرزمینی شبهه جرم با دولت مقرر دادگاه ضروری است. با این حال، قانون استثنای مصونیت امریکا با تسری صلاحیت استثنایی محاکم امریکا به شبهه جرم‌هایی که خارج از این کشور ارتکاب می‌یابند درست در نقطه مقابل چنین اجماعی قرار دارد؛^{۵۲} مسأله‌ای که در صورت تداوم، تیرگی هر چه بیش‌تر روابط بین دولت‌ها را دامن خواهد زد و به ابزاری جهت بهانه‌گیری و اعمال فشار از سوی دولت‌ها علیه یکدیگر مبدل خواهد شد.

بند دوم) مغایرت با اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

از این مسأله نیز که بگذریم، ایراد حقوقی دیگری که به قوانین و عملکرد دستگاه قضایی امریکا در دعاوی به اصطلاح تروریستی وارد می‌شود، مسأله نحوه انتساب اعمال ادعایی به ایران است. اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص چگونگی بروز مسئولیت و نحوه انتساب اعمال خلاف بین‌المللی، حاوی مقرراتی است که در طرح مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بیان شده‌اند. ماده ۸ طرح مذکور به مواردی می‌پردازد که می‌توانند در این بحث راهگشا باشند. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر شخص یا گروهی از اشخاص در اجرای اقدام خود در واقع طبق دستورات یا به هدایت یا به فرمان دولت عمل کرده باشند، اقدام شخص یا گروه اشخاص مزبور طبق حقوق بین‌الملل، عمل دولت محسوب می‌شود».^{۵۳}

به‌عنوان یک قاعده کلی، اقدام اشخاص یا واحدهای خصوصی طبق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت نیست. با وجود این ممکن است به هر حال گاهی اوقات شرایطی به وجود آید که چنین اقدامی قابل

Rosanne van Alebeek, "The Immunity of States and Their Officials in International Criminal Law and International Human Rights Law" Oxford University Press (2008), p.68.

۲۵. عبدالهی، محسن، و میر شهبیز شافع، همان، ص ۱۲۰.

53. UN.Doc, Draft Articles on State Responsibility, *Yearbook of the International Law Commission, 2001*, vol. II, Part Two,

انتساب به دولت باشد و آن موردی است که فردی با موجودیت غیردولتی تحت کنترل، هدایت و یا فرمان دولت، مرتکب عمل خلاف بین‌المللی شود. تئوری حاکم در این مسأله تئوری کنترل مؤثر نامیده می‌شود که در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه مورد تأیید قرار گرفته است.

در این قضیه، مسأله اصلی این بود که کنترل دولت تا چه حد باید اعمال شود تا اقدامی قابل انتساب به دولت تلقی شود. در این رأی، دیوان ادعای نیکاراگوئه را مبنی بر این که چون مخالفان این دولت تحت فرمان امریکا هستند، کلیه اقدامات آنان منتسب به امریکا است رد کرد. دیوان در این باره اشعار می‌دارد: «با وجود کمک‌های مالی فراوان و دیگر حمایت‌های فراهم شده برای آنان از سوی ایالات متحده امریکا، هیچ دلیل روشنی وجود ندارد که ایالت متحده عملاً از آن درجه فرمان دادن در همه زمینه‌ها برخوردار بوده که بتوان گفت مخالفان از جانب آن عمل می‌کرده‌اند... تمامی صور مشارکت ایالات متحده که در بالا یاد شد، و حتی فرمان دادن به نیرویی که وابستگی‌اش به ایالات متحده در حد بالایی است، به‌تنهایی به این معنا نیست که بدون نیاز به شواهد دیگر، ایالات متحده ارتکاب اعمال ناپسند مخالف حقوق بشر و قوانین بشردوستانه ادعایی دولت خواهان را هدایت کرده یا به مورد اجرا گذاشته است. چنین اعمالی به‌خوبی ممکن است توسط اعضای مخالفان بدون فرمان امریکا صورت گرفته باشد. برای آن که اقدام مزبور منجر به مسئولیت قانونی امریکا شود، باید اثبات شود که آن دولت بر عملیات نظامی یا شبه‌نظامی‌ای که تخلفات ادعایی در جریان آن‌ها صورت گرفته‌اند، کنترل مؤثر داشته است».^{۵۴}

شاید بتوان گفت که دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ، اصل کنترل مؤثر را زیر سؤال برده و اصل کنترل کلی را جایگزین آن کرده است، آن‌جا که اعلام می‌دارد: «شرط حقوق بین‌الملل برای انتساب اعمال افراد خصوصی به دولت این است که دولت به افراد فرمان داده باشد. حدود فرمان دادن به هر حال ممکن است بنا به اوضاع و احوال خاص هر قضیه متفاوت باشد. شعبه تجدیدنظر نمی‌تواند بپذیرد که چرا در هر مورد و در تمامی شرایط، حقوق بین‌الملل باید حد بالایی را به‌عنوان معیار فرمان دادن ضروری بداند».^{۵۵} با این حال استدلال فوق قابل نقض است، زیرا اولاً مسأله مطرح شده نزد این دادگاه، مسأله مسئولیت کیفری فردی است و در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری، مسأله مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت است که دو حوزه متفاوت و جدا از یکدیگرند و این دو با یکدیگر قابل قیاس نیستند. ثانیاً حتی کنترل کلی که دادگاه در قضیه تادیچ به آن استناد می‌کند به‌صراحت فراتر از صرفاً کمک مالی، تجهیز و آموزش و از این نوع اقدامات است، آن‌جا که اشعار می‌دارد: «فرمان‌دهی کلی، فراتر از صرفاً تأمین مالی و

54. ICJ Reports, *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua* (Nicaragua v. United States of America), 1986, p.14.

55. *Tadic Appeal Judgment Prosecutor v. Dusko Tadic*, Case No.: IT-94- 1, Judgment, 15 July 1999, 38 *International Legal Materials* (1999):1518 and 1541at para 117.

تجهیز این نیروها و نیز مشارکت آنان در طراحی و نظارت بر عملیات نظامی بوده است.^{۵۶} ثالثاً دیوان بین‌المللی دادگستری بار دیگر در قضیه نسل‌کشی، اصل کنترل مؤثر در انتساب عمل خلاف اشخاص خصوصی به دولت را مورد تأکید قرار داد.^{۵۷}

این در حالی است که حتی تعریف قانون استثنای تروریسم آمریکا با کنترل کلی مصرح در قضیه تادیب نیز مطابقت ندارد، زیرا براساس این قانون، هرگونه حمایت دولت از گروه یا موجودیت غیردولتی به دولت حامی قابل انتساب است؛ درحالی‌که در قضیه تادیب تصریح شده که کنترل کلی فرای حمایت مالی، تجهیز و آموزش و از این نوع اقدامات است.

در واقع در آمریکا به جای به‌کارگیری اصول انتساب مسئولیت بین‌المللی به دولت، از اصول انتساب تخلف یا ضمان قهری به اشخاص حقیقی در حقوق داخلی استفاده می‌شود که جایگاهی در مسئولیت بین‌المللی دولت ندارند و از این جهت فاقد وجاهت حقوقی هستند.^{۵۸}

بند سوم) قانون صلاحیت دادگستری محاکم ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی

با توجه به استدلال‌های فوق‌الذکر تلاش بر آن بود تا اثبات شود قانون استثنای تروریسم ایالات متحده آمریکا با حقوق بین‌الملل مغایرت دارد و اصل مصونیت دولت‌های خارجی در اعمال حاکمیتی دولت‌ها را نقض می‌کند. حال سؤالی که مطرح می‌شود آن است که آیا قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۸ با حقوق بین‌الملل مغایرتی ندارد؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا لازم است توضیحاتی در مورد مسئولیت دولت آمریکا در نقض مصونیت دولت ایران ارائه و پس از آن، به وجاهت حقوقی قانون مصوب ۱۳۷۸ پرداخته شود.

نقض قواعد حقوق بین‌الملل از سوی دولت، عمل خلاف بین‌المللی تلقی و هر تخلف بین‌المللی یک دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود (ماده ۱ طرح مسئولیت دولت). بند ۱ ماده ۴ طرح مسئولیت دولت نیز اشعار می‌دارد: «اقدام هر نهاد دولتی اعم از این که عهده‌دار وظایف تقنینی، اجرایی، قضایی یا غیر آن باشد، صرف‌نظر از موقعیتش در تشکیلات دولت و بدون توجه به وصف آن به‌عنوان نهاد

56. *Ibid.*, p. 1546 at para 145.

57. ICJ Reports, *Case concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Yugoslavia)* 2007.

۸۵. ر.ک: عبدالمی، محسن، و میر شهبیز شافع، همان، ص ۱۴۷ و سادات میدانی، حسین، ارزیابی عملکرد محاکم داخلی آمریکا در انتساب عملکرد گروه‌های لبنانی و فلسطینی به جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حقوقی، شماره چهارم، شهریور ۱۳۸۳، ص ۱۳.

حکومت مرکزی یا نهاد مربوط به واحد سرزمینی دولت، طبق حقوق بین‌الملل اقدام دولت محسوب می‌شود؛ مشروط به این که الف) طبق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد و ب) موجب نقض یک تعهد بین‌المللی آن دولت باشد (ماده ۲ طرح مسئولیت دولت).

در مسأله حاضر نیز کنگره امریکا با تصویب قانون استثنای تروریسم و سلب مصونیت قضایی و اجرایی اعمال حاکمیتی دولت‌ها، آشکارا اصل مصونیت دولت را نقض کرده و محاکم امریکا با اعمال صلاحیت قضایی و صدور حکم علیه دولت خارجی و اجرای آن موجب نقض یک تعهد بین‌المللی شده‌اند. کنگره و محاکم امریکا نیز رکن دولت محسوب می‌شوند و اعمال آنان به دولت امریکا قابل انتساب است.

شایان ذکر است که مسئولیت بین‌المللی دولت متضمن آثاری حقوقی است (ماده ۲۸ طرح مسئولیت دولت) که جوهره اصلی آن به شرح مندرج در بخش دوم طرح، عبارت است از تعهد دولت مسئول به متوقف کردن نقض (ماده ۳۰) و جبران کامل خسارات ناشی از تخلف (ماده ۳۱) در برابر دولتی که از تخلف بین‌المللی متأثر شده است (ماده ۴۲)؛ ضمن این که دولت اخیر حق دارد که اجرای آثار فوق‌الذکر را از دولت متخلف مطالبه کند.

درخصوص قانون استثنای تروریسم دولت امریکا، دولت ایران و سایر کشورهایی که از قانون مذکور متأثر شده‌اند، طبق اصول و قواعد فوق‌الذکر که جایگاه محکمی در حقوق بین‌الملل دارند، حق دارند که به مسئولیت دولت امریکا استناد کرده، توقف عمل خلاف بین‌المللی دولت امریکا و جبران خسارات وارده را از این دولت مطالبه کنند.

مسأله حائز اهمیت آن است که علی‌رغم استناد ایران به مسئولیت دولت امریکا در این خصوص، این دولت نه تنها تغییری در رویه خود نداده بلکه با اصلاح و تصویب قانون استثنای تروریسم ۱۹۹۶، اجرای اعمال خلاف حقوق بین‌الملل را علیه ایران و برخی دولت‌های دیگر تسهیل کرده است. در چنین شرایطی، حق مقابله به مثل برای کشورهای متضرر ایجاد می‌شود.

مقابله به مثل که در حقوق بین‌الملل معاصر، اقدام متقابل خوانده می‌شود جلوه‌ای است از یک نظام سازمان‌نیافته که دولت‌های زیان‌دیده از آن طریق می‌توانند حقوق خود را از دولت متخلف استیفا کنند؛ مسأله‌ای که جایز بودن آن، هم در رویه دولت‌ها و هم در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری تحت شرایط خاصی شناسایی شده است.^{۵۹} بر این اساس، اقدام متقابل عبارت است از نقض حقوق بین‌الملل در مقابله با نقض حقوق بین‌الملل از سوی دولت متخلف، به منظور وادار کردن دولت مذکور به تمکین به تعهدات خود. در چنین شرایطی، توسل به اقدام متقابل، قانونی و دارای وجهت حقوقی است.

به همین دلیل در ابتدای قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی

۹۵. ر.ک: کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، *مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی*، ترجمه نصرت‌الله حلمی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۳۸۶.

مدنی علیه دولت‌های خارجی آمده است: «به موجب این قانون اتباع ایرانی می‌توانند در موارد ذیل از اقدامات دولت‌های خارجی که مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض کرده باشند در دادگستری تهران اقامه دعوا کنند. در این صورت، دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است به‌عنوان عمل متقابل به دعوای مذکور رسیدگی و طبق قانون، حکم مقتضی صادر کند».

قسمت آخر این بند مشعر بر آن است که این قانون در اقدام متقابل علیه دولت آمریکا در سلب مصونیت از ایران تصویب شده و هدف از آن، وادار کردن دولت آمریکا به خاتمه دادن به عمل خلاف بین‌المللی و جبران خسارت وارده از این اقدامات است و از این جهت با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل هماهنگ و همسو است.

نتیجه‌گیری

دولت ایالات متحده آمریکا، در اقدامی تعجب‌برانگیز، خصمانه و مبتنی بر مسائل سیاسی از سال ۱۹۹۶ به بعد با تصویب قوانین و مقرراتی از کشورهای به ادعای او حامی تروریسم، در محاکم این کشور سلب مصونیت کرد و به تدریج با رفع نگرانی از اقدام متقابل مؤثر از سوی ایران و سایر کشورها، در توسعه قلمرو و شمول این قانون به‌ویژه علیه ایران گشاده دستی ورزیده و در سال ۲۰۰۸ قانونی را تصویب کرد که کاستی‌های قوانین قبلی را به‌طور چشم‌گیر کاهش داده، به خواهان‌های آمریکایی مدعی در دعوای به اصطلاح تروریستی، امکان طرح هر خواسته به هر مبلغی را علیه ایران در محاکم این کشور می‌دهد.

علی‌رغم تصویب قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوای مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحیه ۱۳۷۹ و آیین‌نامه اجرایی آن، مشاهده می‌شود که دولت آمریکا همچنان به نقض حقوق بین‌الملل ادامه می‌دهد که شاید یکی از دلایل آن، عدم اجرای مؤثر قانون فوق‌الذکر و عدم کارایی آن باشد؛ زیرا پس از گذشت بیش از یک دهه از تصویب قانون مذکور هنوز به دعوای اندکی علیه آمریکا در ایران رسیدگی شده است و بین ارزش احکام صادر در ایران علیه آمریکا و احکام صادر در آمریکا علیه ایران، فاصله زیادی وجود دارد.

اقدام متقابل زمانی کارایی دارد که زبان ناشی از نقض حقوق بین‌الملل برای دولت ناقض بیش از منافع آن باشد. در غیر این صورت، اقدام متقابل کارایی خود را از دست خواهد داد. اقدام متقابل مؤثر علیه آمریکا در سلب مصونیت ایران، مستلزم هماهنگی و همکاری بین سه قوه و حل مشکلات قانونی موجود و سرعت عمل است تا بتواند مانع اقدامات خودسرانه دولت آمریکا در این خصوص شود.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی، ترجمه نصرت‌الله حلمی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۲. سادات میدانی، حسین، ارزیابی عملکرد محاکم داخلی امریکا در انتساب عملکرد گروه‌های لبنانی و فلسطینی به جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حقوقی، شماره چهارم شهریور ۱۳۸۳.
۳. عبدالهی، محسن، و میر شهبیز شافع، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، تهران: اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، چاپ دوم ۱۳۸۶.

ب) انگلیسی

1. Brussels Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and commercial matters (1968), Article 3. (Provisions Relating to Belgium, France and Luxemburg).
2. *Flatow v. Alavi Foundation*, 225 F.3d 653 (4th Cir. 2000).
3. ICJ Reports, *Case concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide* (Bosnia and Herzegovina v. Yugoslavia, 2007).
4. ICJ Reports, *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua* (Nicaragua v. United States of America), 1986.
5. In Re: Islamic Republic of Iran Terrorist Litigation, US District Court for the District of Columbia, September 30, 2009.
6. Jennifer K. Elsea, *Congressional Research Service "Suits Against Terrorist States By Victims Of Terrorism"*, (2008), available on-line at: <http://www.fas.org/sgp/crs/terror/RL31258.pdf>
7. *Jenny Rubin, Deborah Rubin, Daniel Miller, Abraham Mendelson, Stuart E. Hersh, Renay Fryn, Noam Rozenman, Elana Rozenman and Tzvi Rozenman v. Alavi Foundation*, ASSA Corporation and ASSA Company Limited, Case no. 1:2009cv04614 (New York Southern District Court, May 15, 2009).
8. *Letelier v. Chile* 488 F Supp. 665 (US, DC for the District of Columbia, 1980).

- Available at: <http://homepage.ntlworld.com/jksonc/docs/letelier-488 FSupp665. html>
9. *Owens v. Republic of Sudan*, District Court of Columbia, 531 F.3d 884 (2008).
 10. Permanent Court of International Justice, *Lotus Case*, (France v. Turkey) PCIJ, Ser. A, No. 10 (1927).
 11. *Price v. Socialist People's Libyan Arab Jamahiriya*, 110 F.Supp. 2d 10 (D.D.C. Aug. 24, 2000).
 12. *Rein v. Socialist People's Libyan Arab Jamahiriya*, 162 F. 3d 748, 764 (2d Cir. 1998).
 13. *Roeder v. Islamic Republic of Iran*, No. 08-CV-487-RCL (D.D.C.), Dk. #1 (Complaint filed Mar. 21, 2008).
 14. Rosanne van Alebeek, *The Immunity of States and Their Officials in international Criminal Law and International Human Rights Law*, Oxford University Press (2008).
 15. *Tadic Appeal Judgment Prosecutor v. Dusko Tadic*, Case No.: IT-94- 1, Judgment, 15 July 1999, 38 International Legal Materials (1999).
 16. *United States of America. v. Francesco Columba-colella*, United States Court of Appeals, Fifth Circuit. - 604 F.2d 356, (1979).
 17. *United States v. Yousef*, 327 F.3d 56 (2d Cir. 2003).
 18. UN. Doc, A/46/10, Report of the International Law Commission on the Work of its 43rd Session, 29 April-19 July 1991.
 19. US Codes, Appropriations Act for Fiscal Year 2008 (2008 NDAA). Pub. L. No. 110-181, § 1083, 122 Stat. 3, 338-44.
 20. US Codes, P.L. 104-132, Title II, § 221 (April 24, 1976); 110 Stat. 1241; 28 U.S.C. § 1605(a)(7).
 21. US Codes, P.L. 104-132, Title II, § 221 (April 24, 1976); 110 Stat. 1241; 28 U.S.C. § 1605A.
 22. US Congress Doc, H.Rept. 110-477, Conference Report to Accompany H.R. 1585, National Defence Authorization Act for Fiscal Year 2008, at 1001.
 23. *Weinstein v. Islamic Republic of Iran*, 299 F. Supp. 2d 63, 76 (E.D.N.Y. 2004).